بحث و نظر: ایران گردی ارزی که داوطلبانه و با اشتیاق وارد کشور می شود (سومین و آخرین قسمت)

در دو شماره گذشته قسمتهائی از آئین‏نامهء ایرانگردی‏ م جهانگردی مورد بحث قرار گرفت و نویسنده‏ ملاحظات شخصی و کارشناسی خود را(که الزاما نباید نظر رسمی اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران‏ تلقی شود)پیرامون آن به رشته تحریر درآورد.

بحث به آنجا رسید که ایرانگرد خارجی با پول خود به کشور ما می‏آید تا ارز خود را با اشتیاق در اینجا مصرف کند،آنوقت ما برای او در خرید و صدور کالاهایمان محدودیت قائل می‏شویم و ترجیح‏ می‏دهیم برای فروش همین کالاها دور دنیا راه بیفتیم‏ و بدنبال مشتری بگردیم و ارز مصرف کنیم.مورد دیگری از چنین روشی تبصره 2 از ماده 6 است که برای‏ جهانگرد خارجی خروج 3 کیلو خاویار ممهور به مهر و یا پلمپ شرکت شیلات و قبض خرید فروشگاه شیلات‏ فرودگاه مهرآباد را بلامانع اعلام کرده است.

حال اگر جهانگردی با دادن ارز معتبر فرضا بخواهد صد کیلو یا دویست کیلو خاویار بخرد و به‏ خارج ببرد چه مانعی دارد؟شما قیمت و حتی پول مورد داد و ستد را تعیین کنید.او اگر مقرون بصرفه دانست‏ می‏خرد و هرچه بیشتر بخرد بهتر.

یک مورد دیگر در آئین‏نامه مورد بحث‏ کالاهای قابل نگهداری در انبارهای گمرک است، اعم از کالاهای قابل ورود غیر قابل ورود که چهار ماه‏ و با دریافت هزینه انبارداری در نظر گرفته شده است.

اگر جهانگرد خارجی هزینه انبارداری را می‏پردازد و کالای او فاسد شدنی یا خطرناک نیست،بگذارید 20 یا 30 سال کالای خود را در انبارها نگهداری کند و مرتبا حق انبارداری بپردازد.این خود یک رشته‏ تجارت ارزآور است و اصولا بهتر است این‏گونه امور از قبیل انبارداری،به بخش خصوصی واگذار شود و فرضا گمرک پس از یک هفته نگهداری و بازرسی‏ کالای وارداتی و صادراتی،آنرا به انبارهای خصوصی‏ تحویل دهد و صاحب انبار می‏داند چگونه با سیاح‏ خارجی که بهرحال ارز می‏پردازد،کنار بیاید.

البته مقررات را باید دستگاههای اقتصادی،- قضائی تدوین کنند و به تصویب قوهء مقننه برسانند و بر صحت اجرای آنها نظارت کنند تا احیانا بی‏نظمی‏ و قانون‏شکنی پیش نیاید،اما کار تجاری آنرا باید به‏ بخش خصوصی واگذار کنند.نویسنده روز قبل از اینکه‏ این گزارش را به تحریر درآورد،گزارشی از مکزیک- کشوری که بسرعت در حال پیشرفت است-مطالعه‏ می‏کرد که در آن سخن از خصوصی کردن فعالیتها و امور گمرکی و از آن جمله انبارهای گمرکی در میان بود.حالا ما می‏گوئیم کسی که پول انبارداری را می‏دهد بیش از 4 ماه حق ندارد کالای خود را در انبار نگهدارد و چون‏ ظرفیت انبارهای گمرکی محدود است،کمی جا را بهانه می‏کنیم.کار را به بخش خصوصی بسپارید،اگر سودی در کار باشد،او در فضا نیز انبار می‏سازد.روی‏ زمین که جای خود دارد.

یک وقت با رئیس کشتیرانی جمهوری اسلامی‏ شعبه بوشهر گفتگوئی داشتم.او میگفت بخش‏ خصوصی چه خاصیتی دارد که شما این‏قدر سنگ او را به سینه می‏زنید؟گفتم شامهء قوی دارد.اگر فعالیتها آزاد باشد،و او امروز بشنود بکار ایجاد یک انبار می‏شود تا در هر کجا که ممکن باشد محصولات کشتی‏ موردنظر را انبار کند و از طریق درآمد انبارداری سود بدست آورد.اما دولت کشتی را می‏خرد بعد محصولی مثل سیمان فله را در کنار اسکله‏های سرباز پیاده می‏کند و من در گذشته شاهد فاسد شدن ده‏ها هزار تن سیمان از این قبیل یا جوانه زدن گندمهای‏ وارداتی در اسکله‏های سرباز بوده‏ام.

برگردیم به بحث توریسم.

مورد یگری که در آئین‏نامهء مورد بحث بچشم‏ می‏خورد مخلوط کردن دادوستد و تجارت با تعصب‏ است.البته مواردی پیش می‏آید که پای استقلال و حیثیت ملی و دین و شرف یک ملت در میان است.در چنین مواردی همهء امور در خدمت دین و استقلال ملی‏ درمی‏آید،چنانکه در جنگ تحمیلی اخیر شاهد آن‏ بودیم.اما مواردی هست که لزومی برای این‏گونه‏ تعصبها وجود ندارد.مثلا در ماده 9 آئین‏نامه‏ آمده است:"در مسیرهای عمده رفت و آمد جهانگردان خارجی،اعم از جاده‏ها،پایانه‏های‏ مسافرتی،هوائی،زمینی،دریائی،داخل و خارج‏ شهرها،بازار و اماکن دیدنی،تابلو و علائم راهنما "به زبانهای فارسی‏"و عندالزوم زبانهای دیگر،با رعایت معیارهای بین المللی تهیه و نصب می‏شود".

اگر قید جهانگرد"خارجی‏"در میان نبود شاید جای‏ بحثی هم باقی نمی‏ماند.اما این قید خود به خود مارا به فکر می‏اندازد که جهانگرد خارجی از تابلو راهنمای‏ فارسی چه استفاده‏ای م تواند بکند؟آیا ما ابتدا کلاس آموزش فارسی برای او می‏گذاریم و بعد او رابه‏ کشور فرامی‏خوانیم؟بگذارید کارها را ساده بگیریم و بدنبال منافع ملی باشیم.ما می‏دانیم که خط فارسی‏ بعلت تنوع شکل و گوناگونی حروف همصدا،یکی از دشوارترین خطوط عالم است،بطوری که ادب- شناسان نیز گاه که تند می‏نویسند حروف هم آوا را گاه با یکدیگر اشتباه می‏کنند،آنگاه در حالیکه‏ کشورهایی مثل چین و ژاپن زبان انگلیس را به عنوان‏ زبان رسمی تجاری خود برگزیده‏اند ما چرا برای‏ جلب توریست اینهمه قید و شرط نامعقول قائل‏ شویم؟

موارد دیگری در آئین‏نامه مشاهده می‏شود که‏ باز هم جای بحث دارد،مانند یکسان نظر کردن به‏ بخش توریسم و صنعت از نظر تأسیسات و عوارض مقرر برای صدور پروانه ساختمانی.درحالی‏که ما در امر توریسم با یک مسأله انسانی سروکار داریم و نیز با ارزی که داوطلبانه و با اشتیاق وارد کشور می‏شود.

باید برای تأسیسات هتل و خدمات جانبی آن‏ ترجیحاتی قائل شویم بگذاریم جهانگردان به ایران‏ بیایند و ترتیبی دهیم که در اینجا با رضایت خرج کنند و با رضایت نیز بروند تا تشویق شوند مجددابه کشور ما باز آیند.حسن این‏گونه تأسیسات اینست که از آنها می‏توان هم برای ایرانیها و هم برای خارجیها استفاده نمود.بعلاوه امروزه از تأسیسات هتلها و متل‏ها در فصلهای غیر توریستی،برای برگزاری‏ کنفرانسها سمینارها و حتی نمایش‏ها و تفریحات سالم‏ استفاده می‏کنند.بنابراین در عمل این تأسیسات‏ در تمام ایام سال بی‏وقفه کار می‏کنند.منتهی چنین‏ فعالیت پیچیده‏ای نیاز به مدریت لایق و شایسته‏ و پویا دارد بنحوی که نگذارند هیچ سرمایه و نیروی‏ انسانی در طول سال عاطل بماند.طبعا در چنین‏ وضعی هزینه‏های هر استفاده‏کننده نیز کاهش می‏یابد و شوق استفاده بیشتر،از چنین تأسیساتی، افزایش می‏یابد.

در خاتمه بار دیگر این نکته را تأکید می‏کنیم که باید بهتوسعهء توریسم داخلی به عنوان محملی برای کسب‏ تجربه به جهت جلب توریست خارجی نگاه کنیم و توریست خارجی را به عنوان منبع آسان و خود جوش‏ ارزی تلقی کنیم.در این صورت اگر گفته شود کشور ما می‏تواند سالانه تنها از صنعت توریسم درآمدی‏ معادل درآمد ارز نفت داشته باشد سخنی بگزاف‏ گفته نشده است.این بحث را در همین جا خاتمه‏ می‏دهیم.